

books:فلسفه دوازدهم

pushpin:تکات مهم درس دوم

white_check_mark:۱. درقضایا وقتی محمولی به موضوع نسبت داده می شود ویا از آن سلب می شود یکی از رابطه های زیر بین موضوع ومحمولی که به آن نسبت داده شده یا از آن سلب شده وجود دارد:

eight_spoked_asterisk:الف: رابطه ضروری (وجوبی): محمول برای موضوع قطعی، حتمی و تخلف ناپذیر است (ضرورتاً باید اینگونه باشد)

☐مثال: نمک شور است/ مثلث سه ضلعی است /مربع سه ضلعی نیست.

eight_spoked_asterisk:ب:رابطه امکانی : موضوع می تواند محمول را بپذیرد یا نپذیرد(ممکن است اینگونه باشد، ممکن است اینگونه نباشد)

☐مثال: غذا شور است./ هوا سرد نیست.

eight_spoked_asterisk:ج: رابطه امتناعی: حمل محمول بر موضوع محال است و ممکن نیست(محال است اینگونه باشد)

❑*مثال: عدد چهار فرد است / مربع چهار ضلعی نیست.

white_check_mark: ۲. اگر در قضیه ای که به صورت ایجابی (با فعل مثبت) بکار می رود، رابطه بین موضوع و محمول ضروری باشد، در صورتی که فعل قضیه را به منفی تغییر دهیم، رابطه نیز از ضروری به امتناعی تغییر خواهد کرد.

❑*مثال: الف: انسان، متفکر است (رابطه ضروری است) / یعنی متفکر بودن برای انسان ضروری است

❑*ب: انسان متفکر نیست. (رابطه امتناعی / محال است که انسان متفکر نباشد. در واقع در قضیه دوم متفکر نبودن را به انسان نسبت داده ایم.

sparkle: در حالت عکس آن نیز این قاعده وجود دارد، یعنی اگر در قضیه ای که رابطه امتناعی بین موضوع و محمول وجود دارد، فعل قضیه تغییر کند (از موجه به سالبه یا برعکس)، رابطه نیز به ضروری تغییر خواهد کرد.

❑*مثال: الف: مجموع زوایای داخلی مربع دو قائمه است (رابطه امتناعی) ❑ب: مجموع زوایای داخلی مربع دو قائمه نیست (رابطه ضروری)

white_check_mark: ۳. اگر در قضیه ای بین موضوع و محمول رابطه امکانی باشد، با تغییر نسبت (موجه به سالبه یا برعکس)، رابطه امکانی تغییر نخواهد کرد

❑*مثال: الف: هوا گرم است (رابطه امکانی) ب: هوا گرم نیست (رابطه امکانی)

white_check_mark: ۴. اگر رابطه هر موضوعی را با وجود بسنجیم (به عبارت دیگر "وجود یا موجود" به

عنوان محمول واقع شود) نیز یکی از رابطه های ضروری، امکانی، امتناعی بین آن موضوع با وجود برقرار خواهد بود. در این صورت موضوع این قضایا به ترتیب: "واجب الوجود/ ممکن الوجود/ ممتنع الوجود نامیده می شوند.

مثال :

eight_spoked_asterisk: الف: خدا موجود است (خدا هست) (رابطه خدا با وجود ضروری و وجوبی

است ، بنابراین خدا: واجب الوجود نامیده می شود) .

eight_spoked_asterisk: ب: انسان موجود است . (انسان هست) (رابطه انسان با وجود امکانی است، پس

انسان: ممکن الوجود است.

eight_spoked_asterisk: ج: مربع پنج ضلعی موجود است (مربع پنج ضلعی هست) (رابطه امتناعی است

و مربع پنج ضلعی: ممتنع الوجود است).

white_check_mark: ۵. قضایایی که محمول آن ها وجود و یا موجود است ممکن است به صورت یک

قضیه دو جزئی بیان شوند و محمول و نسبت در یک کلمه (هست) جمع شود.

مثل: زمین هست . باید توجه داشت در این گونه قضایا که بسیط هستند ، "هست" به عنوان فعل اسنادی محسوب

نمی شود بلکه به معنای "موجود است" می باشد.

:white_check_mark:۶. وقتی رابطه یک موضوع با وجود سنجیده می شود باید دقت کرد که ذات آن فارغ از هر چیزی وبدون درنظر گرفتن رابطه آن با سایر امور باید درنظر گرفته شود وگرنه ممکن است در تشخیص برخی امور اشتباه گردد.

به عنوان مثال: روح، عالم آخرت، خاک ، وجود امام معصوم و... را ممکن است برخی ضروری بدانند ویا وجود اموری از قبیل : دیو، سیمرغ، کوه یاقوت ، دریای جیوه ، انسان شش سر و.... را ممتنع بدانند، درحالی که همه این امور ممکن الوجودند. به این معنا که از جهت ذات ، وجود آن ها هیچ ضرورت ویا امتناع عقلی ندارد.

:bangbang: ممکن است کسی مثلا وجود معاد را با حکمت و عدالت خدا بسنجد وبگوید ضروری است ویا برخی از ماهیت ها از قبیل : دریای جیوه ، کوه یاقوت و... را با شرایط حال حاضر بسنجد و حکم به ممتنع بودن آن کند در حالی که اگر وجود معاد را فارغ از رابطه آن با امور دیگر وفی حد ذاته درنظر بگیریم ، به دلیل اینکه وجود جزء ذات آن نیست ، واجب الوجود نخواهد بود، چرا که اگر واجب الوجود می بود درموجود شدن نباید نیاز به علت می داشت و همیشه باید موجود می بود. کوه یاقوت، دریای جیوه هم شرایط به وجود آمدن شان موجود نیست وگرنه از جهت ذات منعی برای موجود شدن ندارند.